

لغت های درس ۱۴ فارسی

هم معنی	
ملی: مربوط به همه ی مردم یک کشور	نخست: آغاز - ابتدا
سربلندی: احساس افتخار داشتن	رزمنده: جنگجو - مبارز
همبستگی: همراهی - همدلی - اتحاد	دلاورانه: شجاعانه
قل خوردن: غلتیدن - چرخیدن دور خود روی زمین	
مرزنشینان: کسانی که در مناطق مرزی کشور زندگی می کنند.	
جلو: نوعی خوراکی که به وسیله ی آرد و روغن و شکر تهیه می شود	
دفاع: نگهداری و محافظت - تلاش برای حفظ خود در برابر دشمن - نگهبانی و مراقبت	
متضاد	
اصلی: فرعی	بارزش: بی ارزش
با اهمیت: بی اهمیت	گذشته: آینده
خوش حالی: ناراحتی	آباد: خراب
گروهی: فردی	شجاعانه: بزدلانه
جلو: عقب	
هم خانواده	
رسم: رسوم: مرسوم	نظر: ناظر: منظور: نظارت: مناظره: انتظار: منتظر
بحث: مبحث	مشورت: مشاور: مشاوره
درس: تدریس: دروس: مدرس	مختلف: اختلاف: خلاف
مقدس: قدس: قداست	عمل: عامل: معامله
معروف: عارف: تعریف: عرف: عرفان	مناطق: منطقه
اتحاد: متحد	صنعت: صنایع
حفظ: حفاظت: محافظ: محافظت: حافظ: محفوظ: حفاظ	